

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – چارم جنوری ۲۰۱۱

گوشه هائی از سفر تاریخی

اعلیحضرت غازی امان الله خان به اروپا

به نقل از "انیس" همان وقت

دو یادگار امان الله خان در برلین

در مقاله "وداع ، وداع ، وداع" که در صفحه ۱۴ دسمبر ۲۰۱۰ پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نشر گردید، بر گوشه ای از جریده "انیس" حدوداً هشتاد سال پیش نظر انداخته شده و نکاتی از آن در ارتباط با مسافرت تاریخی اعلیحضرت امان الله خان غازی به اروپا، نقل شد. اینک بنا بر معهود، قسمتهائی ازین مسافرت بروایت آن جریده. نکاتی که در سطور آتی تقدیم میگردد، قسماً ضمن مقاله "اگر اعلیحضرت امان الله خان را میگذاشتند، ... " (مؤرخ ۳ سپتمبر ۲۰۰۷) در پورتال "افغان جرمن آنلاین" همان زمان نشر شده بود. در آن مقاله میخوانیم:

« به نظر من اگر اعلیحضرت امان الله خان غازی لا اقل ده سال دیگر زمام امور کشور را در دست میداشت و بدون دغدغه و تشویش به کار خود ادامه میداد، وطن ما در موقعیتی قرار میگرفت که بر پای خود بایستد، متکی به خود گردد و از دستگیری به این و آن نجات یابد. بلی؛ اگر این شهریار ترقیخواه، پرانرژی و آزاده را مجال میدادند ، افغانستان را از حالت قرون وسطائی بیرون میکشید و در قطار ملل راقیه جا میداد. گویند کشور جاپان و وطن عزیز ما افغانستان در عین زمان رو به تجدد و نوگرایی نهادند، مگر سوگمندان امروز "پله توفیر" (۱) جاپان و افغانستان را از زمین تا به فلک می بینیم. جاپان امروزه نه تنها در ذروه ترقی خود رسیده، بلکه در صدر کشورهای صنعتی و پیشرفته گیتی هم قرار گرفته است؛ جلوتر از ایتالیا و انگلستان و فرانسه و حتی المان. و اگر از چند رشته اختصاصی "های تک" (۲) دیده بپوشیم، اتازونی نیز در عقب جاپان قرار میگیرد.»

خوب است که پشت کار و پرکاری امان الله خان را از زبان یکی از معاندان وی بشنویم. سید مهدی فرخ – وزیر مختار کشور فارس در دربار امان الله خان – در صفحه ۲۴ کتاب "کرسی نشینان کابل" چنین نویسد:

« امان الله خان شخصی است فوق العاده خودخواه و خودپرست و طالب شهرت و علو مقام؛ و بسیار فعال و کارکن و جدی و باهوش و صبور و بردبار است...» (۳)

من نمیگویم، که اگر امان الله خان امان مییافت، کشور ما را به سطح جاپان میرساند، مگر به تحقیق میتوانم بگویم، که اگر امان الله غازی لااقل ده سال دیگر زمام کشور را در دست میداشت، امروز افغانستان از تمام ممالک همسایه و حتی منطقه جلوتر می افتید. و اگر چنین می گردید، نه افغانستان ما در دامن روس می غلتید، نه وطنفروشان "خلق - پرچم" زاده میشدند و نه ماجراهای خانه برانداز بعد از ایشان رخ میداد، تا جهان غرب برخیزد و کشور ما را یکدم ببلعد. و پیش از گزارش سفر امان الله خان:
بعضاً سؤال ذیل را در ارتباط بدین سفر مطرح میکنند:

"چرا مان الله خان" ماهها را در اروپا گذشتاند؟"

جواب :

طولانی بودن سفر امان الله خان در اروپا دلایل مختلفی داشته است. وی از یک طرف پلان سفر مفصلی را برای بازدید از ممالک پیشرفته اروپائی و بالوسیله جلب کمکهای وسیع از آنها، کشیده بود که لابد باید وقت خیلی زیاد را بدین منظور تخصیص میداد. از طرف دیگر وسائل حمل و نقل آن زمان مانند امروز سریع نبود. وی با کشتی و قطار سفر میکرد، و این دو در هشتاد و چند سال پیش سرعتی بسیار بطنی داشتند. از طیارات مسافربری در آن وقت خبری نبود...»

البته غیابت طولانی امان الله خان از سریر مستقیم اداره امور، زمینه را برای دشمنان وطن فراهم ساخت، تا پلانهای شوم خود را با فراغ خاطر پیروزی کنند.

مرحوم میر غلام محمد غبار در کتاب مستطاب "افغانستان در مسیر تاریخ" خویش در مورد سفر امان الله خان غازی به خارج چنین نویسد :

« مسافرت شاه به خارج (دسمبر ۱۹۲۷ - جون ۱۹۲۸)

در سال ۱۹۲۷ دولت ایتالیا پادشاه افغانستان را دعوت به مسافرت به ایتالیا نمود، و او در دسمبر ۱۹۲۷ به قصد تحکیم روابط اقتصادی و کلتوری با ممالک خارجی عازم اروپا گردید. خط حرکت او از قندهار به کراچی و بمبئی بود، در حالی که دولت انگلیس انتظار وی را در دهلی میکشید. شاه در مجامع هندی آزادانه حرف زد و حکومت انگلیس را آزرده تر ساخت، در حالی که لندن قبلاً دهلی را در مراقبت و احتیاط از قول و فعل شاه متوجه ساخته بود. در هر حال شاه از هند به کشور مصر و باز به ایتالیا رفت، و از آنجا به فرانسه و بلجیم و جرمنی کشید. در انگلستان شاه دانست که اگر از مسافرت در کشور شوروی خودداری کند، انگلستان برای هرگونه امدادی به افغانستان حاضر است، ولی او نپذیرفت و به مملکت شوروی سفر کرد. آنگاه به کشور ترکیه و باز ایران رفت و به افغانستان عودت نمود. پادشاه افغانستان در شرق قریب به صفت یک پهلوان شرقی ضد استعمار غربی و در اروپا به حیث یک فاتح جنگ در مقابل امپراتوری برتانیاستقبال شد. تنها حکومت ایران از ابراز گرمی و حرارت خودداری نمود، زیرا ملکه افغانستان و زنان همراهش همه بدون نقاب و معجز [معجز یعنی چادر و روپوش] بودند، در حالی که زنان ایران آن روز در قید حجاب بسر می بردند و شاه ایران ورود ملکه افغانستان را بدون نقاب، مخالف عنعنۀ کشور خویش می شمرد.

شاه امان الله در اروپا فابریکه هائی بخريد و در استحکام روابط با دول خارجی بکوشيد و در ترکیه دوستی و همکاری فرهنگی و نظامی بین دولتین صادقانه تحکیم گردید.

اما پیش آمد رجال بزرگ و مقتدر عصر در طبع شاه جوان تأثیری از عجب و خودبینی بجا گذاشت و تماشای عظمت تخنیک و فرهنگ غرب او را در تطبیق این تمدن و کلتور در افغانستان شتابزده ساخت، در حالی که او از درک قوت محرکه و تطبیق دور افتاده بود. در ایام توقف شاه در لندن بعضی جرائد انگلیسی او را پتر کبیر افغانستان خواندند و خواستند در تعجیل طبیعی او تسریع نماید، در صورتی که در داخل افغانستان دستهای مخالف مشغول تهیه زمینه اختلال و جلوگیری از هرگونه ریفورم و اصلاحات اجتماعی بود. « (صفحات ۱۲۷۵ و ۱۲۷۶ "افغانستان در مسیر تاریخ" (چاپ دو جلدی) چاپخانه نهضت، چاپ اول ۱۳۷۵، قم - ایران)

جریده انیس که در آن وقت ماه دوبر نشر میشد، در شماره ۳۰ قوس ۱۳۰۶ (مطابق ۲۲ دسمبر ۱۹۲۷) خود در مورد استقبال اعلیحضرت در خارج نوشت :

« پیغام تحیت و خوش آمدید از طرف اعلیحضرت جورج پادشاه انگلستان پس از فرامدن اعلیحضرت شهریاری از موتر خود، کلنل (نیت جون) فرمانفرمای بلوچستان پیغام تحیت و خوش آمدید را که از طرف شاه انگلستان و لورد آپرون گرفته بود باین مضمون قرائت کرد :

من از طرف خود و ملت و ورود اعلیحضرت را صمیمانه خوش آمدید میگویم و موفقیات بی نهایت را نسبت به سفر اعلیحضرت آرزومندم. و به مسرت تمام تشریف آوری اعلیحضرت را در پایتخت خودم انتظار دارم. و یقین واثق من است که این دیدن نتایج خوشگوار را نسبت با استحکام روابط آتیه بین دولتین بوجود خواهد آورد.»

انیس در شماره ۱۵ جدی ۱۳۰۶ (مطابق ۵ جنوری ۱۹۲۸) چنین نوشت :

« استقبال اعلیحضرت غازی و ملکه معظمه در کراچی از جریده پایونیئر ریل شاهانه که دو انجن آنرا میکشید، از کویته بعد از انجام مراسم سلام و تفخیم که خیلی با جلال و شوکت بود عازم کراچی شد و ساعت ۲ - ۲۵ ، ۱۱ دسمبر وارد کراچی شدند. استیشن کراچی به تقریب ورود ذات شاهانه بیک طور شایسته و شایانی آراسته شده بود. داخل استیشن با گلهای داودی سرخ و زرد و سفید مزین به هردو جانب عمودهای دروازه بزرگ نشان تاج افغان و بالای آن لوای دولت افغانستان نصب کرده شده بود....»

انیس مؤرخ ۲۱ جدی (۱۲ جنوری ۱۹۲۸) نوشت :

« قرار اطلاعات تلگرافی و مطالعات عمومی که بداره رسیده است، ظاهر شد که سفر بری و بحری اعلیحضرت همایونی و رفقای سفر شان از قاهره الی ناپولی به کمال صحتمندی گذشت.

گرمجوشی و حرمت و تقدیری که از طرف ملل و حکومتی که در راه خط حرکت شان بود، بطور محسوس موقعیت و منزله ای که افغانستان بعد از نوال ["نوال" یعنی "نیل"] استقلال خود آنرا حایز شده است، دلالت میکند....»

انیس ۲۸ جدی ۱۳۰۶ (۱۹ جنوری ۱۹۲۸) چنین آورد :

« روما

برای استقبال اعلیحضرت غازی، پادشاه و ملکه ایتالیا و شهزاده ولیعهد و موسولینی و اعضای کابینه و سفیر کبیر فرانسه استقبال و پذیرائی نموده اند....»

روما ۱۵ جنوری

اعلیحضرت غازی و رفقای سفرشان بسواری موترهای مخصوص (پاپ) نائب المسیح که با کمال احتشام و مراسم عهد عتیقه استقبالشان را نمودند، ملاقات فرمودند....»

در انیس مؤرخ ۱۴ دلو ۱۳۰۶ (۳ فبروری ۱۹۲۸) چنین میخوانیم :

« اعلیحضرت غازی

تلگرافات خارجی مشعر است که استقبال اعلیحضرت غازی در پاریس با تمام مراسم اجلال و تفخیم انجام یافت. شاه محبوب نقاط مهم پاریس را از آن جمله (ورسیلز) [ورسای] را مشاهده فرمودند و چمنهای دلکش (اوسولیل) محل التفاتشان گردیده، تطبیق دادن بعض نقشه های آنرا در شهر جدیدی در وطن خود اظهار فرمودند. اثنائی که اعلیحضرت همایونی اولاد وطن خود طلبه علوم را در پاریس میدیدند، خطابه مؤثر ایراد فرمودند، آنها را به محنت کشی و اتحاد عمل در کار، و اینکه در افغانستان آتیه عامل خواهند بود، نصیحت و تشویق فرمودند. اعلیحضرت غازی مبلغ یک هزار استرلنگ (پوند استرلنگ - شرح از معروفی) برای غربا و مساکین پاریس امداد فرموده اند.»

انیس مؤرخ ۲۸ دلو ۱۳۰۶ (۱۷ فبروری ۱۹۲۸) در زمینه سفر امان الله خان نویسد :

« خبرهای اعلیحضرت غازی تلگرافات مخصوص

قرار خبرهای اخیر که باداره رسیده است، ۱۴ روز سفر توقف پاریس به خیریت گذشت. مراسم پذیرائی از طرف حکومت خیلی احترامکارانه و خوب اجرا شد. ۸ فروری رهسپار بلژیک شدند، عندالورود به سرحد ولیعهد با چند نفر اشخاص معزز حکومت به (استاسیون) [ستیشن ریل] آمده بودند. انجام پذیرائی آنها درجه مجلل و مرغوب بود. حکومت خیلی صمیمیت و اهالی مملکت گرمجوشی زیاد نشان دادند. مهمانی از طرف شاه در قصر شاهی سه روز معین بود. ذات شاهانه با رفقای همسفر شان لله الحمد صحت دارند.»

انیس در شماره مؤرخ ۴ حوت ۱۳۰۶ (۲۴ فبروری ۱۹۲۸) خود مینگارد :

« برلن ۲۳ فروری

اعلیحضرت غازی و ملکه معظمه افغانستان در ریل مخصوص از سویس به برلن آمدند. در ایستگاه هندنبرگ [مارشال فن هیندنبورگ] رئیس جمهور و اراکین دولت پذیرائی نمودند. شاه ممدوح و ملکه معظمه از سرکهای عمومی که برای عبورشان به بیرقها مزین بود و دو راسته تراکم اهالی و رعایا بودند، عبور فرموده، بقصر شاهزاده البرت که برای قیام [اقامت] رسمیشان تهیه شده بود، ورود فرمودند.

اعلیحضرت امان الله خان با رئیس جمهور هندنبرگ و اعضای کابینه ملاقات فرمودند. مطبوعات المان ورود پادشاه معظم افغانستان را بسرور تلقی نموده مخصوصاً استخدام متخصصین تخنیکی المان را در نشریات خود اشاره نموده، راجع به استحکام روابط تجارتي افغانستان و المان امیدواری زیاد نشان میدادند. از طرف هندنبرگ رئیس جمهور المان پادشاه و ملکه افغانستان در یک دعوت که در آن یک صد و بیست نفر شامل بودند، مدعو شدند. در این دعوت از طرف جانبین تقاریری بمناسبات دوستانه افغانستان و المان اظهار شد.

ریگا :

معاهده مودت فیما بین دولتین افغانستان و لیتویا امضا گردید. و احتمال دارد که اعلیحضرت امان الله خان در ماه اپریل ریگا را سیاحت بفرمایند.»

قسمی که در بالا به گوشه ای از مسافرت امان الله خان اشارت مستند شد، شاه غازی ضمن سفرش، از کشورهای مختلف دیدن کرد و در هر کشوری هفته ها بسر برد. وی در مدت اقامت خود در اروپا از تأسیسات علمی و فرهنگی و صنعتی آنجا دیده کرده و قراردادهای فراوانی را بیست و کمکهای عاجل کشورهای پیشرفته اروپایی را در زمینه دریافت کرد. وی شخصاً به مکاتب رفت، از فابریکه ها بازدید کرد و با ارباب صنایع و تکنالوژی سخن گفت. قسمی که از شاهدان عینی المانی آن زمان شنیدم، شاگردان مکاتب برای شاه و ملکه افغانستان ترانه ها درست کرده و حین بازدید شان از مکاتب، بصورت کورس میخواندند. و اعلیحضرت غازی در هنگام بازدید از فابریکه های المان، به کارگران سکه های طلا بخشیدند.

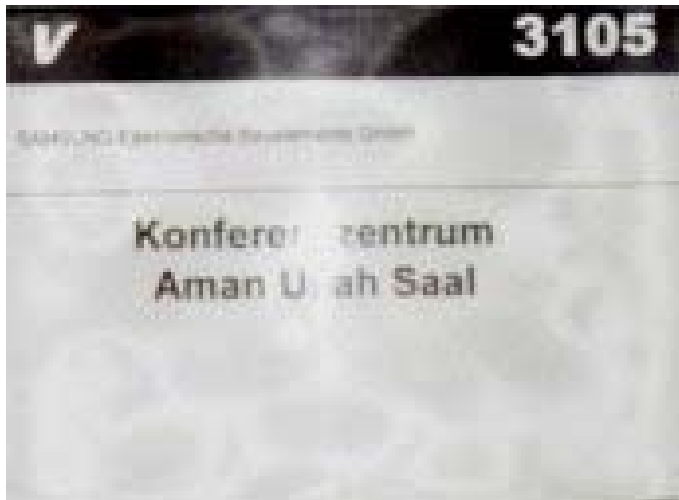
از برلین که پایتخت باعظمت المان دوران "مارشال پاول فن هیندنبورگ" (۴) بود، مفصلاً دیدن کرد. با ریل شهری یا مترو که در زبان المانی "او بان" U-Bahn نامیده میشود، سوار گشت و با فابریکه داران بزرگ در تماس آمد. به فابریکه مشهور آلات برقی آن زمان المان موسوم به Telefunken "تله فونکن" تشریف برد و با رئیس آن مؤسسه عالی صنعتی نشست و قراردادهای بیست و درین فابریکه که اینک در دسترس فابریکه مشهور دیگری بنام Samsung "سمسونگ" (شرکت کوریای جنوبی) قرار گرفته است، همین اکنون هم سالونی وجود دارد، بنام Amanullah - Saal یعنی "سالون امان الله". من شخصاً با رهنمائی دوست شفیقی این سالون را دیده و از آن عکسها برداشته ام.

در پشت دروازه سالون Amanullah - Saal "سالون امان الله" نوشته شده و اثاثیه سالون دقیقاً بشکل و در موقعیتی حفظ گردیده است، که امان الله خان بعد از مذاکرات با ارباب فابریکه، سالون را ترک کرده بود. این سالون را کشور المان شاید تا قاف قیامت به همین شکل و بحیث یک "یادگار تاریخی" نگهداری نماید.

آن قطار شهری را که اعلیحضرت غازی با آن به سیر پرداخته بود، بنام Amanullah مسمی ساختند، که اکنون در "موزیم وسایل نقلیه برلین" بحیث یک "ریل تاریخی" نگهداری میشود. اینک هر دو یادگار را معرفی میکنم:

سالون امان الله





Konferenzzentrum
Aman Ullah Saal

مرکز کانفرانسها
سالون امان الله

نمای داخلی اتاقی که در آن اعلیحضرت امان الله خان غازی با اداره چیان فابریکه "تله فونکن" به مذاکره نشسته بود و رونق اثاثیه اش به شکل همان رویداد تاریخی، حفظ گردیده است.



نمای بیرونی فابریکه "تله فونکن" با مدخل بزرگش، که اینک بنام "سمسونگ" یاد میگردد.

ریل امان الله

All-Fahrzeuge

- Wagen-Nr.: 404, 848, 836, 377
- Baujahr: 1928-1929

Technische Daten

- Wagenkasten: Stahlblechbauweise
- Länge (2Wg): 24,8 m
- Leergewicht Triebwagen: 27,2 t
- Leergewicht Beiwagen: 15,3 t
- Zul. Gesamtgewicht: 55,6 t
- Sitz-/Stehplätze: 63/112
- Antrieb: Triebwagen Einzelachsantrieb
- Steuerung: selbsttätiger Handfahrshalter
- Motorleistung: Triebwagen 4 x 60 kW

Die Züge vom Typ All werden auch als „Amanullah“ bezeichnet, weil der Afghanische König Aman-Ullah im Jahre 1928 einen Zug dieses Typs bei einem Besuch in Berlin gefahren hatte.



قسمت آخر این متن المانی را به دری ترجمه کرده و از نظر خواننده عزیز پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" میگذرانم:

« قطارهای سلسله "ال" (۵) بنام "امان الله" نیز یاد میگردند، چون امان الله، پادشاه افغانستان، در هنگام بازدید خود از برلین در سال ۱۹۲۸ سوار یکی از همین قطارها گردیده بود.»



نمای کلی "ریل - امان الله"

و به حیث حسن ختام باز میگویم :

اگر توطئه های استعمار انگریز در هیئت بلواها و اغشاشات و غیره در نقاط مختلف کشور جامه عمل نمی پوشید و در نهایت کار، ضربه کاری از طریق دزد و رهنز مشهوری به نام "**حبیب الله کلکانی**" - که در زبان مردم به "**بچه سقو**" شهرت دارد - بر پیکر دولت امانی وارد آورده نمیشد و اعلیحضرت غازی امان الله خان لااقل ده سال دیگر امان مییافت، وضع وطن ما بکلی دگرگون میگشت و این همه لیل و نهار بعدی و خصوصاً کارستان سه دهه اخیر اصلاً به وقوع نمی رسید. پس علت را در سیاست استعماری انگلیس و "آله دست قرار گرفتن" افراد ناآگاه و فرزندان ناخلفی از قبیل "**بچه سقو**" باید جست، که بارز ترین جنبش و جهش تاریخی و بهترین زمینه اعتلای وطن ما را برهم زد و برترین زمامدار تاریخ معاصر افغانستان را از منصفه خدمت به وطن دور نگهداشت.

مرحوم غبار ضمن برشمردن ایراداتی بر حکومت امانی، علت اصلی بربادی رژیم امان الله خان را در اجراءات نادرست و شتابزده و خودکامگی خود امان الله غازی میداند و خصوصاً میگوید که امان الله خان پس از بازگشت از

سفر اروپا و استقبال پرحرارتی که از طرف دول پیشرفته آن سامان نصیبش گردید، دیگر آن امان الله سابق نبود و کارهایی را براه انداخت که زمینه فروپاشی اقتدار دولتی و رو بیده شدنش را از سریر قدرت فراهم گردانید.

بدون شک که کارهای شتاب آلوده و ذوق زده اعلیحضرت غازی، که مثل و اصطلاح معروف کابلی "آب را نادیده و موزه را از پا کشیدن" را تداعی میکند، زمینه انهدام رژیم امان الله خان را فراهم آورد، ولی استعمار انگلیس که از امان الله خان دل پر خون داشت و گفتار و نطقهای استعمارشکن امان الله خان که چون خنجری در قلب این کمپیر محتال فرو می رفت، مترصد اوضاع بود و از کوچکترین روزنه هم برای برهم زدن اوضاع افغانستان و ایجاد انفلاق استفاده می کرد. خاصاً که عمال سرسپرده اش در دستگاه دولت امانی، خود باعث بسا کارهای ناکارآمد، اجراءات غلط و کارشکنیها میگرددند و زمینه بسا بدبختیها را میچینند.

در مورد حبیب الله کلکانی، که بعد خود را امیر افغانستان و "خادم دین رسول الله" اعلان کرد، از همه بیشتر مردم کابل آن زمان تصویر روشن داشتند. مردم کابل آن قدر از دست "رژیم سقوی" رنج برده بودند، که "بچه سقو" را "ممثل و سمبول و نمونه شرارت و چور و چپاول و تاراج" میشمردند و وی را به "شقاوت" مثال میزدند.

متأسفانه کسی از نخبگان شعر و ادب در روزگار ما پیدا شد، که برخاسته از "خصومت و عناد شخصی" با اعلیحضرت امان الله خان غازی و با مایه رومانتیک و شاعرانه، "رومان تاریخی" نوشت و از حبیب الله کلکانی "عیار خراسان" ساخت. تبلیغات نویسنده "عیاری از خراسان" در حدی در مغز و کله بعض هموطنان ما نشست، که "بچه سقاء" را تا "سدره المنتهی" بالا بردند و بیخبران و واقعیت گریزان تاریخ ستیز او را جایگاهی دادند، که در تصور سلیم ننگند.

و در مورد وضع اقتصادی و مدنی دوره امانیه:

مرحوم عبد الملک عبد الرحیم زی در کتاب "ارمغان زندان" خود که یادگار دوره بندگیری ۲۲ ساله وی است، در زمینه چنین آرد:

«توازن بودجه با کسر بودجه به طوری که در پیش ازین تذکر رفت یک سابقه ۲۴ ساله داشت که از همان سال اول سلطنت محمد نادرشاه بنیان گرفته و تا آخر دور وی در چهار سال دوام داشت، در حالی که به دوره ده سال امانی از همین منابع در بودجه دولت همه سال وارداتی نسبت به مصارفات تفاضل داشته، مالیات دولت نام کسر یا مقید بازی را نمیشناخت. او به همین پولها جنگ استقلال کشور را با همه ساز و برگهای آن موفقانه بسر رسانید. او بنیانگذار تشکیلات عصری و مدنی این کشور بوده و همه مخارج این کار را از همین منابع تمویل کرد.

او دست به انکشافات اقتصادی و اجتماعی "بالخاصه عرفانی، بهداشتی" و سیاسی کشور زده و همه مخارج آن را از همان بودجه همه ساله تخصیصات، میداد. اردوی افغانی را با مدرنترین سلاح و تجهیزات و قوای هوایی مجهز ساخته تحت تعلیم و تربیه افسران ترک و المان قرار داد. چون کشور پوهنتون نداشت، عده زیاد طلاب را همه ساله جهت تحصیلات عالی و عصری با عین پول به خارج میفرستاد

معارف دور امانی که از هشت مکتب تنها در شهر کابل دور پدرش به شش صد باب مکتب در کشور ارتقاء یافته و به قصبات و دهات و سعت یافته بود، در دور نادرشاه به ۱۹ باب تنزل یافته و باز «.....» (۶)

توضیحات :

۱- "پله توفیر" را از بیت معروف شاعر افغان، مرحوم "ولی طواف" استعاره کردم، که فرموده بود :

ماه را با تو به میزان نظر سنجیدم از زمینش به فلک پله توفیر کشید

- ۲- "های تک" همانا High Tech انگریزی و مخفف High Technology است. من این ترکیب را قبلاً در یکی از مقالاتم زیر عنوان "تحفه انگلیس به امیر یعقوب خان"، "تخنیک عالی" ترجمه کرده ام.
- ۳- "کرسی نشینان کابل" اثر سید مهدی فرخ، به اهتمام محمد آصف فکرت، نشر "مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی"، چاپ اول ۱۳۷۰، تهران.
- ۴- Feld - Marschall Paul von Hindenburg، مارشال المان، که به "فاتح تننبرگ" مشهور است، به تاریخ ۲۱ اگست ۱۹۱۴ و سه هفته پس از شروع جنگ عمومی اول، قوماندانی اعلاى اردوی هشتم المان را به عهده گرفت و در حالی که جنرال "لودندورف" Ludendorf لوی درستیز وی بود، اردوی دوم روسیه تزاری را در ظرف پنج روز (۲۶ تا ۳۰ اگست همان سال) در ناحیه Tannenberg نابودکنان درهم شکست.
- فیلد مارشال پاول فُن هیندنبورگ از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۴ رئیس جمهور المان بود که در آن برهه تاریخ المان "جمهوریت وایمار" Weimarer Republik نامیده میشد. هیندنبورگ در سال ۱۹۳۳ و چند ماه پیش از مرگ خود، آدولف هیتلر را به حیث "کنسلر" المان مقرر کرد و نمی دانست که با این انتخاب، "رایش سوم" المان و یا Drittes Reich زاده میشود و چه بلایی را بر سر المان و جهان می آورد.
- ۵- ریلی که امان الله خان با آن به گشت و گذار شهر پرداخت، اصلاً بنام "ال" All یعنی "فضاء" نامیده میشد، که بعداً به افتخار "امان الله غازی" تغییر نام داده و به "امان الله" مسما گردید.
- ۶- صفحات ۸۵-۸۶ "ارمغان زندان"، اثر مرحوم عبد الملک عبدالرحیم زی، باهتمام بهاء الملک عبدالرحیم زی، چاپ مطبعه شمشاد، کابل، ۱۳۸۸
- ۷- مطالب داخل [] مبنی بر شروع و یا تصحیح، از قلم نویسنده این مضمون است.